

مبانی و اصول حاکم بر نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی از منظر امام خمینی علیه السلام

عباسعلی فرزندی*

چکیده

در این مقاله به بررسی مبانی و اصول حاکم بر نظریه نهضتی امام خمینی علیه السلام پرداخته می‌شود. در دیدگاه امام خمینی علیه السلام آگاهی و بیداری ملت‌ها نسبت به وضعیت نامطلوب تحمیلی، هدایت آگاهانه و مدبرانه پیروان نهضت توسط رهبری الهی و مورد قبول عامه و ایمان به آرمان الهی (خداپسندی) مبانی نهضت را تشکیل می‌دهند و تفکیک‌ناپذیری دین از سیاست، تحول فرد و جامعه، ظلم‌ستیزی، آمادگی همه‌جانبه، تلاش برای تصاحب قدرت بر محور حق، اتحاد مسلمانان، استقلال ملت‌های مسلمان و امید به آینده و انتظار مصلح جهانی اصول اجتناب‌ناپذیری است که رهبران و طرفداران نهضت اسلامی باید به آن توجه کنند.

واژگان کلیدی

سیاست خارجی، نهضت‌های اسلامی، استراتژی نهضتی، مبانی نظریه نهضتی، اصول نظریه نهضتی.

مقدمه

امروزه با گذشت سه‌دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، این حقیقت برای همگان آشکار شده است

farhang_uni@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲۱

*. دانش آموخته دانشگاه عالی دفاع ملی.

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۹

که انقلاب اسلامی با رویکرد مردمی و با تکیه بر دین‌گرایی و تمرکز بر معنویت و توجه به ارزش‌های انسانی نه تنها باعث رهایی ملت ایران از استبداد و استعمار شد، بلکه منشأ تحولات جدیدی در جهان شد که عصر کنونی به عنوان عصر امام خمینی ره دین‌گرایی، معنویت‌گرایی و توجه به ارزش‌های الهی - انسانی نامیده شد. حقیقت آن است که امام خمینی ره به عنوان واضع مکتب انقلاب آن‌چنان آگاهانه و مدبرانه این انقلاب عظیم را رهبری کرد که علاوه بر برکات آن در سرزمین اسلامی ایران، ارزش‌های نوینی را به جهانیان عرضه نمود که راه سعادت آینده ملت‌ها را ترسیم و آنها را شیفته راه و رسم خود نمود.

امام ره بیش از همگان بر مشکلات و مصیبت‌های فراروی ملت‌ها آگاهی داشت و از این رهگذر راه نجات آنها را شناخت وضع نامطلوب موجود و آگاهی و شناخت لازم به استعدادها و توانایی‌های خود برای غلبه بر موانع پیش‌رو تا رسیدن به وضع مطلوب می‌دانست. حضرت امام ره آگاهی، بیداری و خیزش مسلمان‌ها را تنها راه برون‌رفت آنها از وضعیت نامطلوب پدیدار شده توسط قدرت‌های حاکم جهانی و نظام ناعادلانه آراسته شده توسط آنان دانسته و نگاه مصلحانه خود را نسبت به تحول و دگرگونی ضروری برای تحقق اهداف ملت‌های مسلمان بازگشت به هویت اسلامی، تمرکز بر دین‌گرایی، اتحاد، آمادگی، ظلم‌ستیزی، تلاش برای تصاحب قدرت و استقرار حکومت ولایی و زمینه‌سازی برای ظهور مصلح کل متمرکز نمود و در این راستا اعتقاد داشت که مسئولان جمهوری اسلامی به عنوان نظام برخاسته از انقلاب اسلامی، نسبت به تقاضاهای ملت‌ها تکلیف و وظیفه دارند.

بر این اساس مقاله حاضر درصدد برآمده است تا با روش توصیفی - تحلیلی ضمن اشاره به مبانی و اصول حاکم بر استراتژی نهضتی در اندیشه امام خمینی ره بازخوانی آن مبانی و اصول را در شرایط کنونی بررسی نماید. این مسئله زمانی مطرح می‌شود که در شرایط حساس کنونی از سویی تهاجم به خیزش‌ها و مقاومت‌های مردمی از ناحیه نظام سلطه به اوج رسیده است و از سوی دیگر نقش‌آفرینی و بازیگری این نهضت‌ها در عرصه‌های گوناگون زمینه را برای طرح چرایی و چگونگی ادامه حیات نهضت‌های اسلامی در افکار عمومی جهان آماده نموده است، به‌گونه‌ای که موفقیت و پیروزی معجزه‌آسای حزب الله لبنان و مردم بی‌دفاع غزه در تهاجم و جنگ وحشتناک، غیرانسانی و ویرانگر رژیم صهیونیستی همگان را به اعجاب واداشته است.

تعاریف

نهضت: نهضت در لغت به معنای جنبش، بیداری، خیزش و قیام آمده است و در اصطلاح عبارت از: «خیزش آگاهانه و مبتنی بر اراده و تصمیم انسان‌ها برای رهایی از وضع نامطلوب موجود و حرکت در جهت هدف مطلوب»، می‌باشد. این مفهوم در عرصه اجتماعی به حرکت‌های خودجوش و معترضانه مردمی اطلاق می‌شود که علیه قدرت و معیارهای ظالمانه حاکم بر جامعه و به منظور تغییر و اصلاح بنیادین وضع جامعه شکل می‌گیرد.

نهضت اسلامی: نهضت‌های مبتنی بر بینش توحیدی اسلام ناب که با انگیزه قیام علیه معیارها و حکومت‌های ضداسلامی در راستای انجام وظیفه دینی و انسانی مسلمان‌ها و به منظور تحقق عدالت برپا می‌شود، نهضت‌های اسلامی هستند.

استراتژی: استراتژی، ایده، الگو، نقشه یا روش اجرایی است که دستیابی به هدف‌ها یا مأموریت‌ها را با استفاده مؤثر از منابع و مقدرات ممکن ساخته و یک ارتباط منطقی و هماهنگ بین سلسله فعالیت‌ها برای نیل به هدف نهایی ایجاد می‌شود استراتژی از سه عنصر اهداف، راه‌ها و ابزارها تشکیل می‌شود.

نظریه نهضتی: عبارت از دیدگاه مبنایی و جهان شمول دایمی انقلاب اسلامی است که انگیزه قیام الله و نقش تعیین‌کننده ملت‌ها در همه تحولات، برخورداری از مبانی و اصول در حرکت‌های مردمی، نگاه به اهداف، تمرکز بر راهبردهای ارایه شده توسط رهبری در آن مدنظر می‌باشد.

در نظریه نهضتی حضرت امام علیه السلام ملت‌ها عنصر محوری هستند که تحول و اقدام آنها با قیام الله آغاز شده و با در نظر گرفتن مبانی و اصول و توجه به آرمان‌ها و اهداف راهبردها در ابعاد سه‌گانه شناخت و اعتقاد، هدف‌گیری و اقدام از وضع نامطلوب موجود به سوی وضع مطلوب حرکت می‌کنند.

مبانی نظریه نهضتی: عبارت از عوامل و متغیرهای زیربنایی که شاکله حرکت‌های نهضتی را از آغاز تا مراحل پایانی نهضت مشخص نموده و سایر متغیرها و عوامل از آنها تبعیت می‌کنند. اصول نظریه نهضتی: عوامل و متغیرهای اصلی که از مبانی و عوامل زیربنایی نهضت استخراج و منشعب می‌گردد.

حمایت از نهضت‌های اسلامی رسالت انقلاب است

امام خمینی علیه السلام همواره در مواضع گفتاری و رفتاری خود با تکیه بر ماهیت انقلاب، رسالت انقلاب اسلامی را فراملی و خارج از مرزهای جغرافیایی می‌دانستند و اعتقاد داشتند که ماهیت اسلام جهانی بوده و منحصر به یک ملت، نژاد و سرزمین خاص نمی‌باشد. ایشان با تأکید بر این مهم که:

این نهضت ایران مخصوص خودش نبوده و نیست، برای اینکه اسلام مال طایفه خاصی نیست، اسلام برای بشر آمده است نه برای مسلمین و نه برای ایران، انبیا مبعوثند بر انسان‌ها و پیغمبر اسلام مبعوث بود بر انسان‌ها ... و ما که نهضت کردیم برای اسلام، نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد، حتی در کشورهای اسلامی و ... (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰ / ۱۵)

ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم و ... (همان: ۱۲ / ۱۹) و امیدواریم که این نهضت به سایر بلاد اسلامی هم صدور پیدا کند و این مکتب، مکتب همه مسلمین است بلکه همه مستضعفین. (همان: ۱۲ / ۱۵۵)

بخشی از نگاه تکلیف‌محور خود را نسبت به مسلمانان و نهضت‌های اسلامی مطرح نموده‌اند که این نگرش منبعث از ماهیت انقلاب اسلامی بوده و رسالت و مسئولیت رهبران و متولیان نظام اسلامی را مشخص می‌کند. در مجموع می‌توان موارد زیر را در دیدگاه امام خمینی علیه السلام تعامل فکری اندیشه‌ای و عملی انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن یعنی جمهوری اسلامی ایران را نسبت به نهضت‌های اسلامی استنباط نمود:

۱. براساس ماهیت انقلاب اسلامی، اعتقاد به انقلاب و ارزش‌های آن مترادف با مسئولیت دائمی نسبت به سرنوشت تمامی انسان‌ها به ویژه مسلمانان‌ها است.
۲. چون اسلام حامی مستضعفین است و انقلاب اسلامی نیز دارای ماهیت اسلامی است، متولیان انقلاب وظیفه حمایت از مستضعفان و مسلمانان‌ها را به عهده دارند.
۳. پاسخ‌گویی به نیازهای جوامع بشری و به صورت خاص مسلمانان‌ها ضمن اینکه یک وظیفه به حساب می‌آید یک ضرورت نیز تلقی می‌شود.
۴. حمایت از نهضت‌های اسلامی جزو خصلت‌های ذاتی انقلاب اسلامی است.
۵. اشاعه پیام رهایی‌بخش و عزت‌آفرین انقلاب اسلامی و آشنایی ملت‌ها با آن به عنوان عرضه و تقاضای طبیعی به حساب می‌آید.

تأکید همه‌جانبه و دائمی امام علیه السلام بر حمایت از نهضت‌های اسلامی

امام خمینی علیه السلام با دید وسیع و نگرش جامع خویش در زمینه نیازهای ملت‌ها و تشخیص شرایط مناسب برای پاسخ‌گویی به نیاز آنها همواره ضمن تأکید بر دائمی بودن وظیفه حمایت مسئولان انقلاب اسلامی از نهضت‌های اسلامی بر شیوه‌های کارآمد این حمایت نیز تأکید داشتند. حقیقت این است که قدرت‌های حاکم جهانی سعی کرده و می‌کنند که در مرحله اول از شکل‌گیری نهضت‌های مردمی جلوگیری کرده و در صورت شکل‌گیری آنها را از مسیر اصلی خود منحرف کنند. در این زمینه انقلاب اسلامی به دلیل بهره‌مندی از آموزه‌های اسلام ناب قادر خواهد بود با تعلیم و انتقال ارزش‌های انقلاب این نقص اساسی را برطرف کند؛ زیرا یکی از روش‌های جلوگیری از انحراف و شکست حرکت‌های مردمی و اسلامی آرایه راهنمایی و تأمین نیازهای فکری از ناحیه متولیان انقلاب اسلامی و حمایت از نهضت‌های اسلامی است. بر این اساس امام علیه السلام همواره حمایت صریح خود از نهضت‌ها را همراه با مخالفت آشکار با ابرقدرت‌ها و چپاولگران شرق و غرب اعلام می‌کردند چنان که فرموده‌اند:

من بار دیگر پشتیبانی خود را از تمام نهضت‌ها و جبهه‌ها و گروه‌هایی که برای رهایی از چنگال ابرقدرت‌های چپ و راست می‌جنگند، اعلام می‌نمایم. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴ / ۲)

در مورد حمایت از مردم فلسطین و لبنان نیز فرموده‌اند: «من پشتیبانی خود را از فلسطین رشید و لبنان عزیز اعلام می‌نمایم...». (همان: ۱ / ۸۴) امام علیه السلام در میان نهضت‌ها و جنبش‌های مردمی و اسلامی به دلایل شرایط و ویژگی‌های خاص بر حمایت از نهضت‌هایی چون: لبنان و فلسطین تأکید ویژه نموده و حمایت مستمر و همه‌جانبه‌ای را از ملت لبنان و فلسطین ابراز می‌نمودند چنان که فرموده‌اند:

از اول مبارزات، قضایای لبنان و فلسطین جزء مقاصد اصلی ما بوده است و از مسائل ما جدا نبوده است. به‌طور کلی مسلمان نباید تنها نظرش طایفه‌ای از مسلمانان باشد، ما لبنان را از خودمان می‌دانیم. شیعیان لبنان و ایران و مسلمانان همه جهان یکی هستند. ما امیدواریم تا وحدت خودمان را حفظ کنیم، مسئله‌ای را که می‌خواهم اکیداً به شما تذکر دهم این است که این معنا

که نمی‌شود با قدرت‌های بزرگ طرف شد را از گوش‌هایتان بیرون کنید، شما بخواهید می‌توانید؛ زیرا پشتیبان شما خداست. این زمزمه‌هایی را که ابرقدرت‌ها به وسیله ایادیشان کرده‌اند که تا متکی به یکی از دو قدرت نشوید نمی‌توانید به زندگی خود ادامه دهید صد در صد غلط است. به روی پای خودتان بایستید و محکم و استوار با خدا باشید و سعی کنید تا قبل از هر پیشرفتی، در انسانیت پیشرفت کنید، در این صورت خداوند ما را یاری خواهد کرد تا بتوانیم استقلال و آزادی و اسلاممان را حفظ کنیم. (همان: ۱۵ / ۳۳۹)

همچنین ایشان در دیدار با شورای مرکزی حزب‌الله لبنان پیروزی ملت لبنان و فلسطین را پیروزی اسلام دانسته و ضرورت دفاع همه‌جانبه از مبارزان لبنان و فلسطین را یادآوری نموده و فرموده‌اند:

امروز همه قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها دست به دست یکدیگر داده‌اند که نگذارند فلسطینی‌های مسلمان به هدفشان برسند، چرا که پیروزی آنان پیروزی اسلام است و آنها می‌ترسند همان طوری که اسلام در ایران پیروز شد و همه بساط آنها را بر هم زد و منافعشان را از بین برد، همین طور اگر در لبنان و فلسطین اسلام به پیروزی برسد، همه بساطشان را در هم پیچد، لذا همه شیاطین مجتمعند که نگذارند اسلام رشد کند و ما باید این معنا را در نظر داشته باشیم که با تمام قوا و تا آخرین نفرمان مهیا شویم و در راه خدا جهاد کنیم، دفاع از نوامیس مسلمین و دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از همه حیثیات مسلمین، اموری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم و خصوصاً در این شرایطی که فرزندان واقعی فلسطین اسلامی و لبنان اسلامی یعنی حزب‌الله و مسلمانان انقلابی سرزمین غضب شده و لبنان با نثار خون و جان خود فریاد «یا للمسلمین» سر می‌دهند با تمام قدرت معنوی و مادی در مقابل اسرائیل و متجاوزین بایستیم و در مقابل آن همه سفاکی‌ها و درد منشی‌ها و مقاومت و پایمردی به یاری آنان بشتابیم و سازشکاران را شناسایی و به مردم معرفی کنیم. (همان: ۲۰ / ۴۸۶)

دفاع از آرمان‌های ملت فلسطین و مبارزه با اسرائیل در اندیشه امام علیه السلام چنان جایگاهی دارد که امام یکی از دلایل اصلی قیام و نهضت خویش را در مقابل رژیم شاهنشاهی حمایت آن رژیم از اسرائیل دانسته و چنین فرموده‌اند:

یکی از جهاتی که ما را در مقابل شاه قرار داده است کمک او به اسرائیل است. من همیشه در مطالبم گفته‌ام که شاه از همان اوایل که اسرائیل به وجود آمد با او همکاری کرده و وقتی که جنگ بین اسرائیل و مسلمانان به اوج خود رسیده بود، شاه هم‌چنان نفت مسلمین را غصب کرده و به اسرائیل می‌داد و این امر خود از عوامل مخالفت من با شاه بوده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵ / ۱۸۷)

در اندیشه امام علیه السلام شناخت وضع موجود، یافتن راه‌های مناسب برای رسیدن به وضعیت مطلوب مورد توجه قرار گرفته است و در روند حرکت نهضت‌ها توجه به اهداف مطلوب از یک سو و در نظر گرفتن وضع موجود از سوی دیگر عامل تصحیح حرکت و جهت آن خواهد بود، به گونه‌ای که کنترل حرکت از طریق کوشش در رفع موانع و تقویت انگیزه‌ها و جلوگیری از غفلت و روزمرگی امکان‌پذیر می‌شود.

در اندیشه و تفکر نهضتی امام خمینی علیه السلام ملت‌ها عنصر محوری در عرصه تحولات اجتماعی به حساب آمده که انگیزه اولیه آنها برای شروع نهضت آگاهی و بیداری است و پس از آن ترسیم آرمان‌ها و اهداف متعالی که از آن به عنوان وضعیت مطلوب یاد می‌شود که در این راستا اهداف مرحله‌ای تا رسیدن به اهداف جهانی و بلندمدت ترسیم شده است که شروع آن غلبه بر وحشت از مرگ و نفی ظلم و مبارزه با طاغوت‌های جهانی بوده و تلاش برای رسیدن به وضعیت مطلوب و زمینه‌سازی برای ظهور باید در دستور کار قرار گیرد.

چارچوب تفکر نهضتی در دیدگاه امام خمینی علیه السلام

مبانی حاکم بر نظریه نهضتی امام علیه السلام

دسترسی به چارچوب منطقی و برخوردار از توانایی ترسیم نگاه سیستمی و ژرف به ایده‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده از سوی امام خمینی علیه السلام برای تبیین مبانی و اصول حاکم بر نظریه نهضتی ایشان حاکی از آن است که تفکر نهضتی با انگیزه قیام برای خدا شروع می‌شود و این عنصر زیربنایی به عنوان یک تفکر فراگیر و مسلط، نقش یک رشته اتصال دهنده را ایفا می‌کند و رسیدن به عمق و جوهره دیدگاه‌های این بزرگواران بر ملاکننده حقیقتی است که اشارات، تصریح‌ها و خطامشی‌های عملی مدیریتی و هدایتی آنها برای نمونه‌سازی از جامعه‌ای کامل و قابل پیروی برای همه مسلمانان و مستضعفان است تا متأثر از این الگوسازی، زمینه

تکرار این تحول و نهضت و اصلاح در دیگر جوامع تحت ستم فراهم شود. بر این اساس مبنایی‌ترین انگیزه نهضتی «قیام‌الله» است که حقیقت آن را می‌توان در اعتقاد راسخ و نگرش آسمانی امام علیه السلام که فرموده‌اند:

تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمامی جهانی طنین نیافکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.
(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲/۱۴۸)

دریافت و این اعتقاد و نگرش برملاکننده جوهره جهانشمول و حقیقت دائمی و استمراری انقلاب اسلامی است. ایشان در رهنمودهای دیگر که مبین مبانی اساسی نهضت است چنین فرموده‌اند:

مسلمانان هنگامی می‌توانند در امنیت و آسایش به سر برده، ایمان و اخلاق فاضله خود را حفظ کنند که در پناه حکومت عدل و قانون قرار گیرند. حکومتی که اسلام نظام و اراده و قوانینش را طراحی کرده است. اکنون وظیفه ماست که طرح حکومت اسلام را به اجرا در آوریم و پیاده کنیم.
(امام خمینی، بی تا: ۱۵۳)

عنصر مبنایی و زیربنایی دیگر در تفکر نهضتی امام علیه السلام نقش‌آفرینی ملت‌های برخوردار از آگاهی، ایمان و اراده است که در همه تحول‌ها، نهضت‌ها جایگاه تعیین‌کننده آن غیرقابل انکار است، هر چند جهت‌گیری صحیح حرکت ملت‌ها هم نیازمند هدایت آگاهانه و مدبرانه رهبری است تا حرکت آنان به سوی اهداف متعالی بدون انحراف تضمین شود. وجود مبانی و اصول و تمرکز بر آنها در اعتقاد و عمل توسط حرکت‌های مردمی نیز از جمله ضرورت‌های اساسی و زیربنایی است، که در نگرش امام علیه السلام نسبت به نهضت‌ها قابل مشاهده است.

براساس مواضع تصریحی و گاه اشاره‌ای امام علیه السلام دریافت و استنباط می‌شود، ضمن اینکه ملت‌ها مرکز ثقل خیزش و نهضت هستند و آنها باید با تمسک به مبانی و اصول حرکت کنند و این قیام بر محور مبانی و اصول و همراه با انگیزه همواره باید تحت نظر دستگاه رهبری و یا رهبری هدایت‌گر و آگاه باشد. برای شروع نهضت آگاهی و بیداری از ضرورت‌های اساسی برای پیدایش و تقویت انگیزه اولیه ملت‌ها به حساب می‌آید؛ زیرا شناخت و اعتقاد، هدف‌گیری

و حرکت و اقدام ملت‌ها از آگاهی آنها نسبت به شرایط نامطلوب و ترسیم وضعیت مطلوب و تلاش برای رسیدن به آن وضعیت ناشی می‌شود.

حضرت امام خمینی علیه السلام به عنوان بزرگترین نظریه‌پرداز انقلاب اسلامی که خود در جایگاه رهبری این پدیده بی‌نظیر قرن و فرماندهی عرصه‌های گوناگون مراحل اجرایی انقلاب و معمار آگاه و هنرمند بنای نظام برخاسته از انقلاب، ایفای نقش نموده است انگیزه الهی و مقصد (هدف) عالی و اجتماع ملت بر محور وحدت را رمز پیروزی انقلاب اسلامی و بقای آن برشمرده‌اند. چنان که فرموده‌اند:

بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۴۰۴)

امام علیه السلام فقرا، محرومین، مستضعفین را حامیان اصلی انقلاب و دگرگونی می‌دانستند و ملت‌ها، توده‌ها را موافقان اصلی نهضت و قیام برمی‌شمردند. چنان که فرموده‌اند:

... تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت، گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند. (همان: ۸۶)

همچنین فرموده‌اند:

متوجه باشید که در هر جا زورمندان و دولت‌ها با ما مخالف باشند، ملت‌ها با ما موافق‌اند، باید اساس را مردم و فکر مردم قرار داد و باید به فکر مردم بود نه دولت‌ها، زیرا مردم و توده‌ها با حق موافق‌اند، چون زیر بار ستم بوده‌اند و نمی‌خواهند تحت سلطه امریکا و شوروی باشند ... (همان: ۱۵ / ۳۰۷)

ایشان فرموده‌اند:

مسلمانان ننشینند که حکومت‌هایشان عمل کنند تا اسلام را از دست صهیونیسم نجات بدهند، ننشینند که سازمان‌های بین‌المللی برای آنها کار بکنند، ملت‌ها خودشان قیام کنند. (همان: ۴۳۹)

شما اگر بخواهید بر مشکلات خودتان پیروز شوید اگر بخواهید از دست این عمال و اجانب قدس را نجات بدهید فلسطین را نجات بدهید مصر را نجات بدهید و سایر ممالک عربی را نجات بدهید باید قیام کنید باید ملت‌ها این کار را انجام بدهند ننشینید که دولت‌ها بر این مسائل وارد بشوند آنها روی مسائلی که برای خودشان صرفه دارد عمل می‌کنند. ملت‌ها باید قیام کنند و رمز را بفهمند و رمز پیروزی این است که شهادت را آرزو بکنند و به حیات مادی دنیایی حیوانی ارزش قائل نشوند. این رمز است که ملت‌ها را می‌تواند پیش ببرد و رمزی است که قرآن آورده است. (همان: ۶ / ۵۰۳)

ایشان در فراز دیگری از رهنمودهای خود چنین فرمودند:

وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند، خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد، قیام کنید. (همان: ۲۱ / ۴۲۷)

در یک نگاه کلی می‌توان موارد زیر را از دیدگاه امام خمینی علیه السلام نسبت به اراده ملت‌ها برای قیام و نهضت استنباط و استخراج نمود:

۱. هدف نهایی این است که مردم برای برپایی قسط قیام کنند و در این راه باید افراد برای اصلاح جامعه از هیچ کوششی فروگذار نکنند.
 ۲. محرومان و مستضعفان متدین بر پا دارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند.
 ۳. تنها محرومان و مستضعفان هستند که همراه با نهضت‌ها تا پایان کار ایستادگی می‌کنند.
 ۴. مردم و توده‌ها با حق موافقت و همراهی می‌کنند.
 ۵. حکام و دولت‌ها و قدرت‌ها کاری برای ملت‌ها انجام نمی‌دهند.
 ۶. غلبه بر مشکلات، رسیدن به اهداف و قدرت‌یابی ملت‌ها منوط به قیام و پیگیری آنها است.
 ۷. باور ملت‌ها نسبت به ظرفیت‌ها و عزم و اراده خود قدم اول حرکت نهضتی است.
 ۸. بر اساس تجربه انقلاب اسلامی، کلید حل مشکلات، در دست خود ملت‌ها است.
- امام علیه السلام با تکیه بر این نکته محوری که مسئله خداخواهی و کمال‌طلبی ریشه در سرشت و نهاد انسان‌ها دارد و فلسفه رسالت پیامبران الهی تذکر و بیداری از فطرت و کمک‌رسانی به

هدایت کاروان بشریت به خودشناسی و خداشناسی و حق‌گرایی است، (نهج البلاغه، خطبه اول) خداواری را یکی از مبانی نهضت و قیام بر می‌شمردند. از طرفی تاریخ نهضت‌ها نشان می‌دهد که آرمان‌گرایی و اعتقادات برخاسته از انگیزه‌های دینی ملت‌ها همواره باعث پرشورترین و قوی‌ترین حرکت‌های مردمی شده است. می‌توان رمز اصلی این حقیقت تاریخی در ماهیت آرمان‌ها و الگوهای برتر زندگی دین‌مدارانه و تأثیر آن برای ایجاد انگیزه برای برپایی نهضت‌های آزادی‌بخش جستجو کرد.

حضرت امام علیه السلام با در نظر گرفتن کمال‌طلبی انسان و با عنایت به جایگاه و نقش دین و خدامحوری در زمینه آزادی و آزادسازی انسان‌ها از سلطه جهل، ظلم و استبداد و استکبار، حقوق از دست رفته انسان‌ها را در پناه احیای تفکر دینی می‌دانستند و معتقد بودند که مطمئن‌ترین و قوی‌ترین محرک ملت‌ها برای احقاق آن حقوق توجه به نقش آفرینی دین در عرصه‌های اجتماعی است. امام علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند:

خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانیده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران قرار داده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۱)

اسلام و سایر ادیان همه محرک بودند، پیدا کردند مردم را، تعلیمات انبیاء مردم را پیدا کرد و تجهیز کرد مردم را بر ضد قدرتمندان (بی‌نا، ۱۳۷۶: ۴۰) ما برای حیات زیر سلطه غیر، ارزش قابل نیستیم، ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانیم ... مبارزه خواهیم کرد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۶ / ۲۱۹) اگر قیام و نهضت ما الهی و برای خدا باشد پیروز است (همان: ۱۴۱)

در نگاه امام علیه السلام:

۱. اسلام و سایر ادیان همه محرک مردم بر ضد قدرتمندان و مشرکان بوده‌اند.
۲. در جهان‌بینی الهی زندگی زیر سلطه و فاقد آزادی ارزشی ندارد.
۳. در قیام و نهضت دینی ایمان و حضور یکپارچه مردم در میدان به عنوان سلاح اصلی مطرح است.
۴. خودخواهی و بی‌توجهی به خدامحوری منشأ اصلی اسارت ملت‌ها در دست طاغوت‌ها است.
۵. قیام برای خدا به دلیل پیوند با قدرت الهی باعث طمأنینه و آرامش می‌شود.

۶. رمز پیروزی مسلمانان در صدر اسلام ایمان به خدا و استقامت در راه خدا بوده است. حضرت امام علیه السلام به دلیل اینکه خود در جایگاه رهبری قرار داشتند، نقش رهبری در نهضت را با جهت‌گیری‌ها و هدایت‌های فکری و عملی خود به اثبات رساندند و در این راستا با ترسیم چارچوب، مبانی، اصول، آرمان‌ها و اهداف به حرکت حماسی مردم نظام بخشیده و آن را به مقصد رساندند؛ زیرا برای رهبری در هر نهضت سه وظیفه یا کارکرد عمده مورد نظر است: ۱. ترسیم چارچوب فکری نهضت (نظریه‌پردازی) ۲. بسیج جامعه یا فرماندهی نهضت ۳. معماری جامعه پس از پیروزی نهضت (مدیریت و رهبری نظام برخاسته از نهضت). همه این کارکردها و مراحل را حضرت امام علیه السلام در نهضت اسلامی مورد توجه قرار داده و الگوی عملی برای دیگر جوامع معرفی نمودند.

اصول حاکم بر نظریه نهضتی امام خمینی علیه السلام

امام علیه السلام با تکیه بر این امر بدیهی که هر نهضتی نیازمند یک رهبر و رهبری است و در طول تاریخ بشر و در میان اقوام و ملل گوناگون عالم هیچ ملتی بدون رهبری نتوانسته‌اند حرکت مؤثری انجام دهند، هدایت نهضت و رهبری امت را یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای نهضت و قیام می‌دانستند. در یک نهضت، جهت‌گیری‌ها و هدایت‌های رهبری می‌تواند در چارچوب مبانی آرمان‌ها و اهداف معین به حرکت حماسی مردم نظام بخشیده و آن را به انتها برساند. بسیاری از نهضت‌ها و حرکت‌های مردمی در طول تاریخ بوده‌اند که به دلیل نبود رهبری صحیح و با کفایت به انحراف کشیده و یا شکست خورده‌اند. هدف‌گیری منطقی بر ارزش الهی، تکیه بر نیروی لایزال مؤمنین، تمرکز بر استقلال، صداقت، صفا و هوشیاری رهبری و ... از جمله ضرورت‌های رهبری راستین در هر نهضت است که امام علیه السلام بر آن تأکید می‌نمودند.

تفکیک‌ناپذیری دین از سیاست

امام علیه السلام به جد معتقد بودند که جدایی دین از سیاست یک نظریه استعماری است که آنها تلاش نمودند با طرح نگرش سطحی و ناقص از دین با اساس اسلام ناب که تفکیک‌ناپذیری دین از سیاست را در خود دارد، مخالفت کنند و قدرت‌های استعماری کاملاً به این مهم رسیده‌اند که اگر جهان اسلام با تکیه بر آموزه‌های واقعی اسلام در عرصه‌های سیاسی اجتماعی

حاضر شود، سیطره و منافع آنان از بین خواهد رفت و ایشان در این زمینه اسلام ناب را به عنوان دین سیاست و دین جامع و مسلمانان را به عنوان افراد مجاهدی که به دنبال حق و عدالت، آزادی و استقلال هستند، معرفی نموده تا با دسیسه قدرت‌های استعماری که شعار سیاست از دین جداست را سرمی‌دهند، مبارزه کند. چنان‌که فرموده‌اند:

اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالتند. دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است اما اینها اسلام را طور دیگر معرفی کردند و می‌کنند ... برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند، آزادی خواه باشند، دنبال اجرای احکام اسلام باشند؛ حکومتی به وجود بیاورند که سعادتمندان را تأمین کند. (امام خمینی، بی‌تا: ۱۰)

و فرموده‌اند:

شعار دین از سیاست جداست، از تبلیغات استعماری است که می‌خواهند ملت‌های مسلمان را از دخالت در سرنوشت خویش بازدارند. (همان: ۱۲۱)

از دیدگاه امام علیه السلام:

۱. تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست ناشی از جامعیت اسلام راستین است.
۲. نغمه جدایی دین از سیاست از نظریات استعمار و تبلیغات آنها به منظور جلوگیری از دخالت مسلمانان در سرنوشت خودشان است.
۳. بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که فلسفه واقعی احکام الهی را درک نکرده‌اند.
۴. تصور نادرستی که استعمارگران از اسلام القاء می‌کنند برای این است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند.

تحول فرد و جامعه

در دیدگاه و نظریه نهضتی امام خمینی علیه السلام انسان به دلیل ویژگی‌های فطری، قدرت انتخاب و استعداد و توانایی‌هایش برای انتخاب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که اگر این استعداد شناسایی و از آن استفاده شود قدرت تحول‌آفرینی بالایی دارد. لذا تحول درونی در فرد و جامعه اسلامی که مبدأ پیدایش نهضت است از منظر امام علیه السلام بسیار اهمیت دارد.

امام فرموده‌اند: «انسان وقتی درست بشود همه چیز درست می‌شود». (بی‌نا، ۱۳۷۶: ۱۴۶) «با تربیت انسان عالم اصلاح می‌شود». (همان: ۲۰۱) «هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است». (همان: ۲۰۳) ایشان در این زمینه اعتقاد داشتند که خدای تبارک و تعالی روی اسباب و مسببات تحولات را رقم می‌زند و انسان محور این تحولات است. چنان‌که فرموده‌اند:

این یک سنت الهی است که کارهایی که می‌شود، خدای تبارک و تعالی روی اسباب و مسببات کار می‌کند، اسباب و مسببات (در کار) است. وقتی که شما خودتان مهیا شدید برای اینکه تحت بار ظلم بروید، ظالم پیدا می‌شود. این سبب می‌شود که ظالم پیدا بشود ... این یک سنت الهی است و مطلبی بود که با تجربه، خود شما ثابت کردید که شما وقتی قدم‌ها را برداشتید، اینکه طاغوت نباید باشد از بین رفت، تمام شد. بساطشان را برچیدند و رفتند. (همان: ۱۷۴)

اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالتند. دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است. اما اینها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند و می‌کنند. (امام خمینی، بی‌تا: ۱۰)

شعار سیاست از دین جداست، از تبلیغات استعماری است که می‌خواهند ملت‌های مسلمان را از دخالت در سرنوشت خویش باز دارند. (همان: ۱۲۱)

جهان‌شمولی انقلاب اسلامی

امام علیه السلام با توجه به اینکه اسلام جوهره اصلی انقلاب اسلامی است، پایه و اساس نهضت و قیام خویش را مبنی بر نهضت جهانی اسلام قرار داد و افق دید و گستره دعوت خود را فراتر از مرزهای محدود جغرافیایی دنبال کرد. ایشان به مسلمانان آموخت که به جای منافع گروهی، فرقه‌ای و ملی به جهان اسلام و امت اسلامی بیندیشند. مسئله جهان‌شمولی یا جهانی شدن انقلاب اسلامی از دیدگاه امام علیه السلام به عنوان یک نظریه مبتنی بر دلایل و اصول متقن اجتماعی و سیاسی مطرح است که این موضوع به خاستگاه جهان‌شمول اسلام به عنوان دین کامل و جهانی و آرمان‌های اعتقادی آن باز می‌گردد. ایشان با تأکید بر اینکه «اسلام مربوط به طایفه خاصی نیست اسلام برای بشر آمده است»؛ (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰ / ۴۴۶) «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم، چراکه انقلاب ما اسلامی است»؛ (همان: ۱۲ / ۱۴۸) «اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قایل نمی‌باشد و پشتیبان تمام

مستضعفین جهان است» (همان: ۲۰۲) بر جهان‌شمولی انقلاب و قرارداد اسلامی به عنوان پشتوانه نهضت‌های اسلامی تأکید می‌نمودند.

ظلم‌ستیزی و دفاع از مظلوم برای آزادسازی نیروها

امام خمینی علیه السلام به عنوان پرچمدار مبارزه با ظلم و استکبار در تفکر نهضتی خود به ظلم‌ستیزی و دفاع از مظلوم به منظور آزادسازی نیروهای متراکم جهان اسلام توجه ویژه داشتند و این توجه ایشان مبتنی بر اندیشه والای پاسخ‌گویی به ندای دینی و وجدان بشری بود. البته این اقدام برای کمک به ایجاد شرایط لازم برای آزادسازی نیروهای گرفتار در قید و بند ظلم و ظالمین است.

محور اساسی در اصل کمک به مظلوم در اندیشه، امام تقویت بنیه‌های فکری و روحی (آگاهی، بیداری، خودیابی و به‌کارگیری توان و استعدادها) نهفته است. انسان‌ها و به‌ویژه مسلمان‌ها برای قیام آنها در مقابل ظلم است، به گونه‌ای که مظلومان و مستضعفان خودشان قیام کنند و با دفع ظلم، سرنوشت خویش را در دست گیرند. بر این اساس ظلم‌ستیزی، پیش‌زمینه مهمی برای خیزش‌ها و نهضت‌ها به حساب می‌آید. امام با تأکید بر اینکه:

ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه
«لا تظلمون و لا تظلمون». (بی‌نا، ۱۳۷۶: ۳۹)

ما طرفدار مظلوم هستیم، هر کس در هر قطبی که مظلوم واقع شود ما طرفدار آن هستیم و فلسطینی‌ها مظلوم هستند و اسرائیلی‌ها به آنها ظلم کردند، از آن جهت ما طرفدار آنها هستیم. (همان: ۳۹)

سازش با ظالم، ظلم بر مظلومین است، سازش با ابرقدرت‌ها ظلم بر بشر است.
(همان: ۲۹۳)

ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۸۰)

ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم، ما غیر از خدا کسی را نداریم و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم دست از مبارزه با ظالم بر نمی‌داریم. (همان: ۸۳)

بر اصل ظلم‌ستیزی و دفاع از مظلومان در نظریه نهضتی تأکید نموده‌اند. در این راستا می‌توان نکات و پیام‌های زیر را از دیدگاه امام علیه السلام برداشت نمود.

۱. برنامه مکتب اسلام بر «ظلم‌ستیزی و نفی ظلم‌پذیری» خلاصه می‌شود.
۲. مماشات با ظلم و ظالم تحت هیچ شرایطی پذیرفته است.
۳. برائت از مشرکان باعث آزادسازی انرژی متراکم جهان اسلام می‌شود.
۴. دفاع از مسلمانان عالم از آموزه‌های انقلاب اسلامی است.

آمادگی برای دفاع همه جانبه

دشمن‌شناسی، توطئه‌شناسی و شناخت ابزار و شیوه‌های دشمنی دشمنان به ملت‌ها و مسلمان‌ها و آمادگی همه جانبه در مقابل آنها از محورهای مهم مورد توجه در تفکر نهضتی امام خمینی علیه السلام محسوب می‌شود و از طرفی به دلیل پیچیدگی ماهیت، محتوا، برنامه‌ها، شیوه‌ها و ابزار دشمنی دشمنان در عصر پیچیده کنونی این موضوع (آمادگی) دارای حساسیت ویژه‌ای است. این آمادگی باید در ابعاد فرهنگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی تجلی یابد. امام علیه السلام بر اصل آمادگی، آن هم به صورت همه جانبه تأکید ویژه‌ای داشتند. چنان‌که فرموده‌اند:

ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود و آقای و سروری محرومین و پا برهنگان جهان جشن گرفته شود. (همان: ۹۱)

آن شیاطینی که دشمن شما هستند بیکار نشسته‌اند و دائماً مشغول نقشه هستند. (همان: ۱۳ / ۴۰۰)

بر ضرورت آمادگی همه جانبه برای مقابله با دشمنان تأکید نموده‌اند.

تلاش برای تصاحب قدرت بر محور حق

تلاش برای قدرت گرفتن ملت‌ها و مسلمان‌ها بر محور عدالت از محورهای مورد توجه در تفکر نهضتی امام خمینی علیه السلام به حساب می‌آید.

در اندیشه امام که منبعث از اسلام ناب است قدرت در اصل از آن خداست لذا ملت‌ها و مسلمان‌ها (جمعیت‌ها و نهضت‌های حق طلب و عدالت‌خواه) باید با تشخیص خلاً عمیق بین قدرت و عدالت برای رسیدن به قدرت تلاش نمایند. امام علیه السلام منادی این حقیقت بود که

عدالت‌خواهی و حق‌طلبی به مقتضای فطرت انسان‌ها باید همواره مورد توجه ملت‌ها و نهضت‌ها باشد؛ امام علیه السلام در این راستا فرموده‌اند:

شرع و عقل حکم می‌کنند که نگذاریم وضع حکومت‌ها به همین صورت ضد اسلامی یا غیر اسلامی ادامه پیدا کند

ماچاره‌ای نداریم جز اینکه دستگاه‌های حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم و هیئت‌های حاکم و خائن، فاسد، ظالم و جابر را سرنگون کنیم. این وظیفه‌ای است که همه مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام بدهند و انقلاب اسلامی را به پیروزی می‌رساند. (امام خمینی، بی‌تا: ۳۶)

مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۸۳)

مسلمانان هنگامی می‌توانند در امنیت و آسایش به سر برده، ایمان و اخلاق فاضله خود را حفظ کنند که در پناه حکومت عدل و قانون قرار گیرند. (امام خمینی، بی‌تا: ۱۵۳)

ما امید این را داریم که یک قدرت اسلامی، قدرت عدل، قدرتی که در پناه عدل باشد نه در پناه سر نیزه ... پیدا بشود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱ / ۲۹۸)

از دیدگاه امام علیه السلام:

۱. منشأ اصلی قدرت خداوند است و ملاک مشروعیت قدرت سیاسی نیز خداوند است.
۲. قدرتی که از نهضت مردم مسلمان پدید آید پشتوانه مشروعیت حکومت است.
۳. تبعیت از شرع و عقل در اجرای نظام سیاسی اسلام و اقدام آگاهانه و شجاعانه شرط اجتناب‌ناپذیر اعمال قدرت برای نفی سلطه حاکمیت باطل و طاغوت از اصول تصاحب قدرت است.
۴. قدرت مبتنی بر عدل حافظ امنیت و آسایش و ایمان و اخلاق مردم مسلمان است.
۵. حضور و حمایت آگاهانه و مستمر ملت‌ها از حاکمیت سیاسی مشروع شرط استحکام و استمرار قدرت سیاسی مسلمانان است.
۶. توجه به توانایی‌های داخلی مسلمانان از عوامل اقتدار امت اسلامی است.
۷. بازگشت به اسلام راستین و آموزه‌های آن منبع اصلی قدرت مسلمانان است.

۸. تلاش و مجاهدت مسلمان‌ها برای رسیدن به قدرت و برقراری موازنه قدرت در عرصه جهانی لازمه حل مشکلات اساسی و حفظ منافع حیاتی مسلمانان است.
۹. مبارزه با انحصارطلبی و استفاده نامشروع ستمگران از قدرت، تلاش برای محو حاکمیت قدرت طواغیت و مفسدان و تلاش برای استقرار حکومت حق و عدل از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر تصاحب قدرت توسط نهضت‌های اسلامی است.

اتحاد امت اسلامی

پیوند روحی و همگرایی پیروان مکتب رهایی بخش لازم قلب‌های آنها را به هم نزدیک می‌کند و توطئه دشمنان را دفع می‌کند.

ایمان مشترک، هم‌سوئی و همگرایی، دوستی و مهرورزی، حسن معاشرت و پیروزی از رهبری اسلامی از جمله مؤلفه‌هایی است که اتحاد امت اسلامی را تقویت می‌کند. وحدت، زمینه‌های لازم را برای دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی و مقابله با سلطه قدرت‌های بزرگ فراهم می‌کند و از نفوذ بیگانگان بر امت اسلامی جلوگیری می‌کند. توجه به وحدت و روی آوردن به اتحاد امت اسلامی نیز یکی از محوری‌ترین اصول حاکم بر اندیشه و تفکر نهضتی امام خمینی علیه السلام است، به گونه‌ای که آن حضرت همواره بر آن تأکید نموده‌اند.

بررسی مشی نهضتی امام خمینی که به حق تجدیدکننده و احیاکننده اسلام ناب در دوران معاصر بوده‌اند، این حقیقت را آشکار می‌کند که ایشان همواره عزت و سربلندی مسلمانان را در پرتو احیای هویت آنها و از طریق آگاهی، بیداری، خودباوری و برقراری برادری و اتحاد آنان می‌دانستند. در تفکر ایشان ملت‌های مسلمان با شناسایی و به کارگیری همه قابلیت‌ها و توانایی‌های قومی و ملی خود می‌توانند در راستای اهداف برتر در مقابل دشمنان مشترک خود به هویتی اصیل، پایدار و واحد به نام امت اسلامی تکیه کنند که این وحدت ایمانی - انسانی موجب اقتدار سیاسی آنان خواهد شد.

وحدت اسلامی از دیدگاه امام یک بزرگراه مستقیم که مسلمان‌ها با عبور از آن به اهداف بزرگ خود نائل می‌شوند، ترسیم شده است، بر این اساس اصل وحدت و اتحاد اسلامی برای نهضت‌های اسلامی ضمن اینکه یک آرمان مقدس است می‌تواند در مسلمانان ایجاد انگیزه

نماید تا آنان با احساس مسئولیت در جهت حمایت و دفاع از دیگر مسلمانان و دیگر مظلومین قدم بردارند. ایشان چاره همه دردهای مسلمین را وحدت آنها دانسته و چنین فرمودند:

یک چاره که اساس چاره‌هاست و ریشه این گرفتاری‌ها را قطع می‌کند و فساد را می‌سوزاند، وحدت مسلمانان بلکه تمامی مستضعفان و در بند کشیده‌شدگان جهان است و این وحدت که اسلام شریف و قران کریم بر آن پافشاری کردند با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار باید به وجود آید. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱۸ / ۹۱) تا مسلمین رمزی را که در ایران اتفاق افتاد پیدا نکنند، پیروز نمی‌شوند، آنها متحد شدند و همه یک صدا اسلام را خواستند و جمهوری اسلامی را خواستند و وقتی همه با هم متحد شدند خداوند پیروزشان کرد. اگر مسلمین این رمز را پیدا کنند این ملت عظیم اگر با هم مجتمع شوند قدرتی هستند مافوق قدرت‌ها، زیرا علاوه بر مخازن طبیعی، قدرت معنوی دارند که عبارتست از: ایمان به خدا و رسول که اگر مجتمع شوند قدرتی فوق آنها نمی‌شود. (همان: ۷ / ۱۸۷)

... لازم است که همه مسلمین با هم یک صدا در یک نهضت عظیم اسلامی شرکت بکنند و آن معنایی که در ایران تحقق پیدا کرد که آن حقیقت فداکاری در راه اسلام و وحدت همه اقشار ملت برای پیشرفت مقاصد اسلام، این در همه ملت‌ها ان‌شاءالله حاصل بشود و اگر چنانچه همچو وحدت کلمه‌ای با یک همچو مقصد بزرگی که اقامه عدل است در این کشورها، در کشورهای پهناور اسلام پیدا بشود. قدرت عظیمی است که هیچ قدرت و ابرقدرتی در مقابل او ایستادگی نمی‌تواند بکند. (همان: ۱۹۷)

من امیدوارم که مسلمانان جهان در آستانه قرن حاضر گرفتاری‌های خود و منشا آن را به درستی بررسی کنند و با اتحاد همه جانبه و اتکال به اسلام و در زیر پرچم پرافتخار آن از قید و بند استعمارگران رهایی یابند. (همان: ۱۰ / ۳۹۵)

آرزوی بزرگ ما این است که ملت‌های دیگر هم با هم متصل بشوند و همان‌طور که اسلام دستور داده است که مؤمنین اخوه هستند، همان مسائل در پیش روی ملت‌ها باشد، البته من از دولت‌ها باید بگویم مایوسم، لکن ملت‌ها این‌گونه نیستند. (همان: ۱۱ / ۳۲۲)

از دیدگاه امام علیه السلام:

۱. وحدت عقیده موجب وحدت کلمه می‌شود و وحدت کلمه وحدت عمل را به همراه دارد.

۲. وحدت کلمه و وحدت عقیده و اجتماع در امور اجتماعی از مهم‌ترین اهداف اسلامی و وسیله‌ای برای دستیابی به مقاصد بزرگ است.
۳. مسلمانان با وحدت و اتحاد می‌توانند بر مشکلات و موانع پیش رو غلبه کرده به اهداف خود برسند.
۴. رمز عزت و عظمت جامعه مسلمین دوری از تنازع در جبهه داخلی و سلطه ناپذیری در جبهه خارجی است.
۵. اعتقاد مشترک، دشمن مشترک و اهداف مشترک از محورهای اساسی وحدت استراتژیک جوامع اسلامی است.
۶. از مهم‌ترین موانع وحدت مسلمانان، توطئه‌های بی‌امان دشمنان مشترک جهانی امت اسلام و سستی و غفلت مسلمانان در شناسایی وضعیت خود و دشمنان است.
۷. تشکیل حکومت از راهبردهای اساسی برای تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است.

استقلال ملت‌های مسلمان

استقلال و مقابله با وابستگی به قدرت‌های بزرگ در اندیشه و مشی نهضتی امام خمینی علیه السلام از موضوعات و مفاهیم بسیار کلیدی است و در سرلوحه دیدگاه‌ها و مواضع ایشان قرار دارد. وابستگی از نظر امام خمینی علیه السلام جریان دوسویه‌ای است که یک سوی آن خواست نامشروع قدرت‌های بزرگ استعماری برای استعمار دیگران قرار دارد. که در این راه از همه امکانات و ابزار خویش استفاده می‌کنند و سوی دیگر آن سران و نخبگان خودباخته و سرسپرده کشورهای جهان سوم و جوامع مستضعف هستند که زمینه وابستگی به آنها را در درون جوامع فراهم می‌کنند. بر این اساس، امام خمینی علیه السلام در تفکر و مشی نهضتی خود جبهه‌گیری آگاهانه و قاطعانه علیه سیاست‌های سلطه‌جویانه استعمارگران و دست نشانده‌گان آنان را همزمان با روشنگری، افشاگری و بیدارسازی اندیشه‌ها و افکار ناآگاه و خودباخته در جوامع مورد توجه قرار داده‌اند. امام خمینی علیه السلام قدم اول برای استقلال را استقلال فرهنگی می‌دانستند. چنان‌که فرموده‌اند:

بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. استقلال و موجودیت هر جامعه

از استقلال فرهنگ آن نشات می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی استقلال در ابعاد یا یکی از آنها امکان پذیر است. (بی تا، ۱۳۷۶: ۳۲۲)

هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا کند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد ... (همان: ۳۲۲)

بزرگترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبرین وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد و تا استقلال فرهنگی برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰ / ۷۹)

ایشان در وصیت‌نامه خویش چنین سفارش نموده‌اند:

وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست اندرکاران کشورتان یا قدرت‌های خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی تحفه بیاوردند. (همان: ۲۱ / ۴۴۷)

از دیدگاه امام علیه السلام:

۱. استقلال شعار محوری انقلاب اسلامی است.
۲. زیر بنای استقلال هر ملت خودشناسی و خودباوری است و وابستگی به بیگانگان مانع اصلی استقلال ملتها است.
۳. دستیابی به استقلال اگر چه یک فرآیند طولانی و مستمر است، اما مقدمه آن استقلال فکری و تحول و اصلاح جامعه است.
۴. لازمه استقلال فکری و رهایی از وابستگی شناخت ظرفیت‌ها و توانایی خودی و تکیه بر آنها به عنوان سرمایه‌های اصلی است.
۵. استقلال انعکاس واقعی اراده ملتها در تعیین سر نوشت سیاسی و اجتماعی و اتکا به توانایی‌های خودی است.

امید به آینده و انتظار مصلح کل

امید به آینده و انتظار مصلح کل نیز در تفکر نهضتی امام جایگاه ویژه‌ای دارد که این اصل به

عنوان موتور محرکه نهضت‌های اصیل اسلامی تحرک‌زا و امیدآفرین است و اساساً وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام برخاسته از آن (ج. ا. ا.) در راستای بسترسازی این حقیقت آشکار بوده است و از دیدگاه امام‌علیه السلام انقلاب اسلامی جرقه و بارقه‌ای است که باید انفجار عظیمی در توده‌های زیر ستم ایجاد کند تا طلوع فجر انقلاب جهانی حضرت بقیه الله را زمینه‌سازی نماید. چنان که فرمودند:

امید است که این انقلاب جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه الله (ارواحنا لمقدمه الفداه) منتهی شود. (همان: ۱۵ / ۶۲)

بر اساس این اصل اساسی، خطاب به مسئولان کشور و متولیان انقلاب اسلامی هشدار می‌دهند که انقلاب اسلامی نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی آن حضرت است و محدود به ایران نیست:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. (همان: ۲۱ / ۳۲۷)

در یک نگاه کلی نکات و پیام‌هایی از مواضع گفتاری و رفتاری امام‌علیه السلام نسبت به نهضت‌ها به ویژه نهضت‌های اسلامی استنباط می‌شود، که اهم آنها عبارتند از:

۱. اولین مرحله برای هر حرکت و نهضت شناخت وضع موجود است.
۲. عزت و حیات در سایه مبارزه و مقابله با موانع و چالش‌های فرارو و اولین گام در مبارزه اراده و غلبه بر وحشت مقابله با ستمگران است.
۳. مسلمانان برای تحقق اهداف خود و اصلاح جوامع باید قیام کنند.
۴. مسلمانان باید توجه کنند که برای تحقق اهداف خود نمی‌توانند بر قدرت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی امیدوار باشند.

۵. هیچ سلاحی توانایی هموردی با سلاح اراده و خواست ملت‌ها ندارد.

۶. سنت الهی بر پیروزی مبارزات مردمی در سایه قیام برای خداست.

۷. اتحاد و نمایش حضور یکپارچه ملت‌ها و مقاومت در برابر دشمنان رمز پیروزی واقعی است.
۸. بر اساس تجربه انقلاب اسلامی کلید حل مشکلات بزرگ در دست خود ملت‌ها است.
۹. در جهان‌بینی الهی حیات و زندگی در سلطه ارزشی ندارد.
۱۰. منشأ اسارت ملت‌ها در دست طواغیت، سکوت و تن دادن ملت‌ها به سلطه آنها است.
۱۱. اسلام ناب بر نظریه تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست تأکید دارد و نغمه و توطئه جدایی دین از سیاست یک تز استعماری از سوی استعمارگران برای دخالت در سرنوشت مسلمین است.
۱۲. انقلاب اسلامی ایران به دلیل ماهیت ذاتی خود جهان‌شمول بوده و محدود به ایران نیست و ضرورتاً می‌بایست در جهت‌گیری‌ها نگاه فرامرزی و جهانی داشته باشد و دفاع از مسلمانان از آموزه‌های انقلاب اسلامی است.
۱۳. به دلیل ماهیت اسلامی انقلاب با وجود مخالفت قدرت‌های جهانی با آن، همه مستضعفان عالم و مسلمانان جهان به آن احساس وابستگی و دل‌بستگی دارند.
۱۴. انقلاب اسلامی و ملت ایران بر خلاف خواست قدرت‌های جهانی و دست‌نشانندگان آنها برای ملت‌ها الگوی زنده و آموزنده است و بر این اساس باید به نقش الگویی خود نسبت به ملت‌ها و مسلمان‌ها پای بند باشد.
۱۵. هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است و خودسازی فردی و اجتماعی ملت‌ها و به ویژه مسلمانان وابسته به تحول آنها است لذا اصل تحول برای تغییر مقدرات و سرنوشت جوامع یک ضرورت است، زیرا تحول مقدمه نهضت و انقلاب است و این تحول فتح‌الفتوح می‌باشد.
۱۶. انقلاب اسلامی که نشأت گرفته از اسلام ناب است در راستای بعثت پیامبران و اولیای دین، ظلم‌ستیزی و نفی ظلم‌پذیری را در سرلوحه کارهای خود قرار داده است و این موضوع زمینه‌ای برای دفاع از مظلومان و نهضت‌های آزادی‌بخش به حساب می‌آید. بر این اساس دفاع از مظلومان، مستضعفان و مسلمانان عالم به ویژه مسلمانان لبنان، فلسطین، افغانستان، عراق و ... باید در رأس برنامه‌های و اصول قطعی نظام ج.ا.ا. قرار داشته باشد.
۱۷. ماهیت انقلاب اسلامی ضرورت آمادگی همه جانبه برای دفاع از مستضعفان و توطئه‌های استکبار جهانی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و این دفاع همه جانبه فرامرزی است و موضوع دفاع نیز فراسرزمینی بوده و به صورت ویژه حمایت و دفاع از مستضعفان و محرومان را شامل می‌شود.

۱۸. منشأ اصلی قدرت خداست و مسلمانان باید ضمن توجه به این منشأ و منبع قدرت احساس قدرت نموده و با تمسک به اسلام ناب سلطه باطل را نفی و با حضور آگاهانه و مقتدرانه خود در عرصه‌های سیاسی اجتماعی برای تصاحب قدرت مشروع اقدام نمایند.

۱۹. توجه به توانایی‌های داخلی مسلمانان از عوامل اصلی اقتدار امت اسلامی به حساب می‌آید و تلاش مسلمان‌ها برای رسیدن به قدرت و برقراری موازنه قدرت در عرصه جهانی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است.

۲۰. تفرقه که از توطئه استعمارگران است درد اصلی ملت‌ها و جوامع اسلامی است و دوای این درد وحدت و اتحاد است، وحدت عقیده موجب وحدت کلمه می‌شود که این مهم رمز عزت و عظمت مسلمانان است، لذا مسلمانان باید اعتقاد مشترک، دردها و دشمنان مشترک را دستمایه وحدت اصولی خود برای غلبه بر موانع و رسیدن به مقاصد بزرگ قرار دهند و در این راستا جمعیت عظیم میلیاردری، ذخایر سرشار و موقعیت استراتژیک جهان اسلام نقش محوری دارد و مسلمانان باید به «وحدت» به عنوان موضوع استراتژیک نگاه کنند.

۲۱. استقلال همه جانبه یک شعار محوری و ضروری برای مسلمانان و نهضت‌های اسلامی به حساب می‌آید و لازمه این استقلال آگاهی و شناخت امکانات و توانایی‌های خودی و تکیه به آنها است و این استقلال باید از فرهنگ و تعهد اسلامی ناشی شود.

۲۲. امید به آینده و انتشار مصلح جهانی باید به عنوان موتور محرکه برای جوامع اسلامی نیروزا و حرکت آفرین باشد تا برای گذر از وضعیت نامطلوب کنونی و نیل به وضعیت مطلوب ملت‌های مسلمان و نهضت‌های آزادی‌بخش را پرتوان و نیرومند در عرصه‌ها همراه با مقاومت کمک نماید.

۲۳. مسلمانان باید به این مسئله مهم توجه کنند که وضع نامطلوب حاکم بر جوامع اسلامی ناشی از سلطه بیگانگان و وابستگی و بی‌هویتی حاکمان وابسته است که ادامه آن مرگ تدریجی است و راه برون رفت از چنین وضعیتی غلبه بر وحشت، ایجاد چارچوب‌هایی بر محور کرامت انسانی، نفی حاکمیت طواغیت و رفتن به سوی جامعه آرمانی اسلامی و ... است.

نتیجه

امام خمینی علیه السلام به عنوان واضع مکتب انقلاب که با نگرش جامع و بصیرت نافذ خود

انقلاب اسلامی را در اوج ناباوری صاحب نظران تحولات اجتماعی با رویکرد مردمی - معنوی به پیروزی رساند با اعتقادی راسخ به نقش‌آفرینی دین و معنویت و کارآمدی قدرت مردمی این انقلاب را نقطه آغازین نهضت‌های مردمی و اسلامی در دیگر جوامع می‌دانستند و بر همین اساس ضرورت حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش به ویژه نهضت‌های اسلامی را مورد توجه قرار دادند.

ایشان با در نظر گرفتن ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی ضمن فرامرزی دانستن گستره انقلاب، هم زمان با تکلیف بودن انتقال آموزه‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و دیگر جوامع بر ضرورت آن نیز تأکید نموده و در این راستا مسلمانان را عمق استراتژیک جمهوری اسلامی قلمداد می‌نمودند.

حضرت امام علیه السلام علاوه بر اینکه حمایت از نهضت‌ها را از وظایف متولیان انقلاب اسلامی می‌دانستند برای ترسیم تفکر و اندیشه نهضتی خویش مبانی و اصولی را مورد توجه قرار می‌دادند که با بررسی توصیفی - تحلیلی مواضع ایشان می‌توان به گستردگی و عمق آگاهانه، کارشناسانه و مدبرانه بودن این اندیشه دست یافت و این نوشتار با نگاهی بسیار اجمالی اشاره‌ای به این حقیقت نموده است.

در تفکر نهضتی امام علیه السلام وضعیت کنونی مسلمانان نامطلوب و به منزله مرگ تدریجی قلمداد شده و برای دست یابی به وضعیت مطلوب و تحقق آرمان‌ها و اهداف مورد نظر نیاز به فرایندی است که آگاهی، بیداری، اراده و تصمیم و خیزش مسلمان‌ها از ضرورت‌های محوری این فرایند محسوب می‌شود. لذا تحول درونی، رفع موانع، دستیابی به قدرت، سازندگی و تلاش برای نیل به استقلال و عزت، تشکیل جبهه اتحاد مسلمانان و مبارزه همه جانبه با نظام سلطه جهانی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

در این راستا اراده ملت‌ها برای ایجاد تحول، عقیده و ایمان و رهبری آگاهانه به عنوان مبانی و توجه به تفکیک ناپذیری دین از سیاست، فرامرزی بودن انقلاب اسلامی، ظلم‌ستیزی و نفی ظلم‌پذیری، آمادگی برای دفاع همه جانبه، اتحاد امت اسلامی و ... به عنوان اصول حاکم بر بینش و نگرش نهضتی امام علیه السلام نیز از مواضع امام علیه السلام استنباط می‌شود. محیط‌شناسی، شناخت تکلیف، خودسازی و ساختن دیگران، کارسازی و سازماندهی،

آزادسازی و انسجام نیروها، تسخیر پایگاه‌ها و مراکز قدرت، تثبیت قدرت، الگوسازی و همانندسازی و همگرایی و اتحاد ملت‌ها (بسیج جهان اسلام) از مهم‌ترین ضرورت‌های شکل‌گیری نهضت جهانی اسلام از دیدگاه امام علیه السلام است که می‌تواند شکستن چارچوب سیاست‌های حاکم و ظالمانه جهان خواران را زمینه‌سازی کند و رهایی و عزت مسلمانان را به دنبال داشته باشد. تعادل و موازنه قوا که مقدمه‌ای برای تشکیل جامعه آرمانی اسلامی بر مبنای توحید، کرامت انسانی و عدالت است نیز از ضرورت‌هایی است که امام خمینی علیه السلام در نظریه نهضتی خود بر آن تأکید نموده و مسلمانان را برای این مهم به قیام و نهضت فرا می‌خواندند.

منابع و مأخذ

۱. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۲، *کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲. _____، بی‌تا، *ولایت فقیه*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳. _____، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴. بی‌نا، ۱۳۷۶، *آیین انقلاب اسلامی از دیدگاه امام علیه السلام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. فرزندی، عباسعلی، ۱۳۹۱، «وحدت و انسجام اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله) (سیاست‌ها و راهکارها)»، *فصلنامه علمی، تخصصی حبل‌المتین*، پیش شماره ۱.